



کمک سم مندس، اسپیلبرگ و تفلیکس به تئاتر بریتانیا

همدلی | انجمن صنفی صنعت تئاتر لندن و بریتانیا یک صندوق جدید راه می‌اندازد تا با تامین مبلغ ۶۲۳ هزار دلاری، که از سوی تفلیکس اهدا می‌شود، از تئاتر بریتانیا حمایت کنند. به نقل از ویرایتی، این ابتکار موجب می‌شود تا کمک‌های مالی کوچکی برای دست اندر کاران تئاتر فراهم شود و آنهايي که امکان کسب درآمد ندارند و به دلیل شیوع کرونا و تعطیلی سالن‌های نمایش درآمد خود را از دست داده‌اند، کمک بگیرند. این صندوق به طور خاص برای حمایت از کسانی تشکیل می‌شود که واجد دریافت کمک‌های دولتی نبوده‌اند و از زمان تعطیل شدن تئاترها در ۱۶ مارس تاکنون درآمدی نداشته‌اند. این در حالی است که به تازگی اعلام شد یک مبلغ ۱.۹ میلیارد دلاری برای حمایت از بخش هنر، از سوی دولت بریتانیا تامین شده است. صندوق جدید به سرپرستی سم مندس که در دوران قزق‌پننه از جمله صداهایی بود که در طرفداری از تئاتر و دست‌اندرکارانش فعالیت می‌کرد، به صورت امدادی کوتاه مدت برای صدها کارگر و کارمند آزاد تئاتر در سراسر بریتانیا وارد میدان شده است. این کمک هزینه‌ها در قالب مبلغ هزار پوندی (۱۲۵۰ دلار) به هنرمندان تئاتر اهدا می‌شود و به آن دسته تعلق می‌گیرد که در فاصله ژانویه ۲۰۱۹ تا ۳۱ مارس ۲۰۲۰ مشغول کار بوده‌اند. برای ادامه این کمک‌ها لازم است که چهره‌های صنعت، سازمان‌ها و موسسه‌های خیریه هم وارد عمل شوند. اسپیلبرگ، لائونج و دیوید ویلیامز بازیگر از جمله افرادی هستند که اعلام آمادگی کرده‌اند تا پول‌های بعدی را به این صندوق اهدا کنند. انتظار می‌رود حامیان دیگری نیز در هفته‌های آینده وارد این میدان شوند. تفلیکس بیشتر به موسسه فیلم بریتانیا کمک کرده بود. مندس در این باره گفت: «هزاران تن از متخصصان تئاتر در بریتانیا دارند زحمت می‌کنند، اما بسیاری از آنها قادر نیستند تا از برنامه‌های موجود دولتی کمکی دریافت کنند و اکنون نیازمند کمک ما هستند. او افزود: این صندوق را ایجاد کرده‌ام تا از آسیب‌پذیرترین عناصر تئاتر کشورمان حمایت کنیم. این صندوق به طور مشخص از کارمندان تئاتر حمایت می‌کند، از آنهايي که دیگر توان تامین غذای روزانه یا پرداخت قبض‌های ماهیانه را ندارند. مندس تاکید کرد که این صندوق با مبلغ اهدایی که سایر اهدا کنندگان و سازمان‌های خیریه نیز بتدریج وارد عمل شوند و پول‌های بیشتری به این صندوق اهدا شود.



همدلی | بخش سوم «کارگاه مجازی انتقال تجربه مستند بحران» که هم‌زمان با بحران همه‌گیری بیماری کرونا در مرکز گسترش سینمایی مستند تجربی تهیه شده است، در فضای مجازی عرضه شد. عنوان این بخش «مستند پس از بحران» است که توسط محمدمسعود محمسی ارائه می‌شود. به نقل از روابط عمومی مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی، مجموعه این کارگاه‌ها در ۴ شکل Offline قابل دانلود و بازیابی روی وب‌سایت مرکز گسترش، پایگاه خبری سینما تجربی، صفحات فضای مجازی و آپارات است. کارگاه مجازی مستند پس از بحران، سومین بخش این مجموعه کارگاه‌ها است که با حضور محمدمسعود محمسی مستندساز، نویسنده و منتقد سینما ضبط و در فضای مجازی عرضه شده است. طی ۲ هفته گذشته نیز مصطفی جلالی فخر به بهداشت گروه‌های مستندسازی در زمان بحران پرداخته بود و همچنین اعلام‌شده هم کارگاه انتقال تجربه مستند بحران را برگزار کرده بود. تصاویر این ۲ کارگاه مجازی روی صفحه مرکز گسترش و سینماحقیقت در آپارات قابل دسترسی است. هفته آینده نیز کارگاه «مستند بحران از منظر تولید» با حضور مرتضی شعبانی تهیه‌کننده سینمای مستند در شبکه‌های مجازی پخش خواهد شد. علاقه‌مندان جهت بازیابی کارگاه مجازی انتقال تجربه مستند بحران می‌توانند به صفحه وبسایت «سینماحقیقت» در آپارات www.cinema_tajrobi.ir و وب‌سایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی www.defc.ir و فضای مجازی مراجعه کنند.

«انیو موریکونه» پرکارترین آهنگساز تاریخ سینما دیروز از دنیا رفت

خداحافظ موتسارت سینما!

همدلی | علی نامجو: نودویک‌سال عمر کوتاهی نیست، آن هم در این دوران که میانگین سن بسیاری از آدم‌ها خیلی پایین‌تر از این اعداد آمده، اما مرگ بعضی‌ها در همین سن و سال هم می‌تواند جهانی را به بهت فروبرد. دیروز یکی از همین کسانی که مرگشان به مردم جهان شوک وارد می‌کند، در نود و یک سالگی از دنیا رفت؛ انیو موریکونه؛ آهنگساز، رهبر ارکستر و نوازنده سرشناس ایتالیایی، شاید مهم‌ترین ویژگی او در مقایسه با بقیه آهنگسازان بزرگ دنیا در این بود که نامش بیش از همه با سینما گره خورد و کار به جایی رسید که او لقب «موتسارت سینما» را دادند. به کارنامه او در زمینه آهنگسازی هم که نگاه کنید، به اعداد و ارقامی بروا کنید که می‌تواند هر کسی را به تعجب وادارده ساخت موسیقی ۵۰۰ فیلم سینمایی و تلویزیونی و البته آهنگسازی بیش از ۱۰۰ اثر کلاسیک. او پنج بار برنده اسکار تصنیف متن فیلم‌های «روزهای بهشت»، «مأموریت»، «سنس‌خیزناپذیران»، «باگزی» و «مالنا» نامزد دریافت اسکار شده بود، اما تقدیر برایش این طور رقم خورد که در سال‌های پیری یعنی وقتی هفتاد و هفت ساله بود، پرگزار کنندگان اسکار تصمیم بگیرند به او اسکار بدهند، البته جایزه افتخاری اسکار سال ۲۰۰۷ را. او ۹۶ سال بعد در ۸۷ سالگی برای فیلم «هشت نفرت‌انگیز» تارانتینو بالاخره توانست اسکار موسیقی متن را به خانه ببرد. در طول چند دهه فعالیتش در عرصه موسیقی فیلم تجربه همکاری با نام‌های بزرگی از جمله سرجیو لئونته، برناردو برتولوچی، پیر پائولو پاؤلیتی، پدرو آلمادور، جوزپه تورناوره، اولیویر استون، ترنس مالیک، برایان پالما، بری لوینستون، رومن پولانسکی، فرانکو زفرلی، کونتین تارانتینو و بسیاری دیگر همکاری داشته است.

■ نمادی برای وسترن اسپاگتی
با ساخت موسیقی فیلم‌های ژانر وسترن ایتالیایی که بعد از وسترن آمریکایی کار خود را آغاز کرد، معروف شد؛ ژانری که به آن «وسترن اسپاگتی» لقب داده بودند. اما او توانست در جهان به نماد آهنگسازی فیلم تبدیل شود و موسیقی «آشاری همچون «روزی روزگاری در آمریکا»، «سینما پارادیزو» و «بیل را بکش» را هم بسازد. موریکونه با آهنگسازی‌اش در تعیین سرنوشت فیلم‌ها به قدری تأثیرگذار بود که بزرگانی سرجیو لئونته اول می‌گذاشتند تا او موسیقی را بنویسد و بعد صحنه را بر اساس آن موسیقی هماهنگ می‌کردند. او را زاده رم بود و مردم آنجا «مانستر» صدا می‌زدند چون از نگاه مردم رم و کل ایتالیا موریکونه واقعا در کارش استاد بود. او در آغاز با ارکسترآسیون موسیقی متن فیلم‌هایی از جمله «مرگ یک دوست» و «باراباس» وارد سینما شد. اولین فیلم سینمایی با آهنگسازی او «فلاشیس» نام داشت. به او از سوی دولت‌های ایتالیا، فرانسه و مقدونیه نشان لیاقت داده بودند. جالب این‌که موریکونه تنها آهنگساز سینما در طول تاریخ بود که توانست جایزه پولاز را که به «پول موسیقی» شهرت دارد، در سال ۲۰۱۰ دریافت کند.



اشاره کرد. خودش درباره علت کشیده شدنش به سمت آهنگسازی فیلم در گفت‌وگویی توضیح داده بود: «بیشتر موسیقی‌های متن فیلم‌های آن زمان بد بودند و من می‌توانستم اثری بهتر از آنچه در فیلم‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، بسازم. بعد از این که جنگ جهانی دوم تمام شد، صنعت سینما در ایتالیا رشد کرد و نئورئالیسم ایتالیا توانست در جهان جایگاه فوق‌العاده‌ای کسب کند، اما فیلم‌های خوب سینمای ایتالیا در آن روزها، موسیقی‌های خوبی نداشتند. من هم در آن روزها، به پول نیاز داشتم و این عوامل باعث شد به سوی موسیقی فیلم بروم.» او با سازبندی و رهبری موسیقی آشنایی داشت و همین دو عامل در حضور موفق او از همان ابتدا در عرصه موسیقی فیلم موثر بود. البته در آن دوران خیلی‌ها ساخته‌های موریکونه را موقفتی برای او در عرصه هنر به حساب نمی‌آوردند، اما هم‌اکنون فیلم‌های اول با آهنگسازی او هم در زمینه تجاری موفق شدند. قبل از ورود به عرصه موسیقی فیلم، سال‌ها در زمینه ساخت ترانه برای خوانندگان مطرح ایتالیایی کار کرده بود و همین ویژگی هم سبب شد تأثیرات او از آن دوران در آشاری همچون «خوب، بد، زشت» به خوبی مشخص باشد. او در این فیلم از گیتار الکتریک استفاده کرده بود و این وجه را می‌نموسد متأثر از ترانه‌های او به حساب آورد. البته موریکونه در ابتدا با اسم خودش موسیقی فیلم نمی‌ساخت و از نام‌های مستعار دیگری همچون «دان ساویو» و «لئو نیکولز» استفاده می‌کرد. همانطور که از آغاز این نوشته توضیح داده شد، «فلاشیس» اولین فیلمی بود که موریکونه موسیقی‌اش را ساخت. این فیلم چهار سال بعد نوشته شدن در سینماهای آمریکا به نمایش درآمد. «لرنس مکدونالد» درباره ورود موریکونه به سینما گفته بود: «ساخته‌های او در زمینه تئاتر مقدمه ورودش به آهنگسازی فیلم بود. این علاقه زیادی داشتند و از طرفداران دواتشه تیم در چند نمایش به او پیشنهاد ساخت موسیقی فیلم فاشیست را داد.»

■ یافتن دوباره دوستی که تقدیر را تغییر داد
هرچند موریکونه در همان دوران تحصیلات ابتدایی با لئونته هم‌درسه‌ای نبود، اما از چند سال بعد ارتباطش با او به طور کلی قطع شد تا توجیه لئونته به موسیقی فیلم‌هایش درست مثل نگاه او سبک تصویری و روایت‌گری در آثاری که می‌ساخت، با دیگران در دست. موریکونه هم با فهم این تفاوت کوشید آهنگ‌هایی برای فیلم‌های او بنویسد که با جریان رایج موسیقی فیلم‌های وسترن تفاوت دارد. اگر «به خاطر یک مشت دلار» را به عنوان اولین فیلمی که نام انیو موریکونه را در جهان به عنوان یک آهنگساز موسیقی فیلم مطرح کرد، در نظر بگیریم، باید بدانیم که نوع آهنگسازی او در این فیلم چندان منحصر به فرد نبود، اما چند ویژگی مخصوص به خودش را در زمینه تنظیم داشت. «دوردو» فیلم چندان زیاد نبود بنابراین او نمی‌توانست از ارکستر بزرگی برای ضبط موسیقی استفاده کند.



گالری کاما میزبان نقاشی ماسک‌های ۷۰ هنرمند شد

نمایشگاه گروهی نقاشی «ماسک بز» به کیورتوری شهلا همایونی و دستپاری غزال کاظمی از ۲۰ تا ۳۱ تیر در گالری کاما برپا می‌شود. به نقل از روابط عمومی گالری، مونا خوش اقبال مدیر گالری کاما درباره برپایی نمایشگاه «ماسک بز» گفت: مجموعه کاما تصمیم گرفت با تمرکز بر ذات ناب و اصیل هنر و فراغ از هر حاشیه‌های نمایشگاهی با موضوع کرونا برگزار کند که محور آن «هنر برای هنر» باشد و در همین راستا از هنرمندان حاضر هنر معاصر ایران و استعدادهای دوازده تاقضا کرد آثار فاخر خود را بر روی مدیوم ماسک تنها به عنوان سمبل این پدیده خلق کنند و همچنین از آنها درخواست کردیم که امضای خود را به جای روی اثر در پشت آن و پنهان از دید مخاطب قرار دهند. در نمایشگاه «ماسک بز» آثار هنرمندانی چون حسین مجعونی، رضا بانگشیر، احمد وکیل، نصرالله مسلمیان، همایون سلیمی، ایرج اسکندری، کاهو نجم آبادی، بهزاد شیشه‌گران، حسین ماهر، علی ندانی، اکبر نیکان‌پور، رضا هدایت، رضا رهنمای، احمد نادعلیان، احمد محمدیپور، رضوان صادق‌زاده، محمدهادی فدوی، کیوان عسگری، جمشید حقیقت‌شناس، مهناز پسیخانی، فریده شامسوارانی، شهلا همایونی، فریدون امید، فرناز اخلاقی، فرح ابوالقاسم، هوشنگ اردویی، شهناز زهتاب، توران فرهت، امیرشهاب رضویان، سعید مجعونی، شهرام گیل‌آبادی، فرید مرشدزاده، مجید بزرگر، سعید نقاشیان، هومن درخشنده، مرتضی یزدانی، علیرضا تغلبنی، رامین اعتمادی، عادل یونس، فرشید پارسی‌کید، محسن جمالی‌نیک، اشا صدر، مینا سبزی، فاطمه دونداری، شهلا آرمین، رسول سلطانی، مرجان اندرودی، غسل فلاح، محمدعلی الهوردی، بهناز جلالی، کاهو آفاق، عارف رودباری، مصطفی نوربخش، سعید امکانیان، علی خالق، پروین حسین‌زاده، سارا اشرفی، سهیلا پولادزاده، آئینا اشرفی، حامد بهروز کار، حامد چرچی، محمدرضا توکلی، غزال کاظمی، آرام مسلم‌زاده، منیر صحت، المیرا شکرپور، محمد مقدسی، مرم صالحی و هومن مهردانا به نمایش در می‌آید. نمایشگاه «ماسک بز» از ۲۰ تا ۳۱ تیر در گالری کاما برپاست. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه همه روزه به جز یکشنبه‌ها از ساعت ۱۱ تا ۱۹ می‌توانند به این گالری مراجعه کنند.

مونولوگی که روی صحنه «تالار محراب» می‌رود



همدلی | نمایش «عموزنجیرباف» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی مهدی رضایی از بیست‌ودوم تیرماه ۱۳۹۹ در تالار محراب روی صحنه می‌رود. طبع گزارش رسیده، «عموزنجیرباف» نمایش برگزیده نخستین جشنواره مونولوگ دانشجویی افراس: این نمایش، دوره اول اجرای خود را به مدت پنج شب در قالب رپرتوار آثار برگزیده، در عمارت نمایشی نوفل‌لوشاتو، در دماه سال ۱۳۹۸ سپری کرد. در ادامه روند اجرایی این اثر، مهدی رضایی تصمیم به اجرای دوباره آن در تالاب محراب گرفته است. «عموزنجیرباف» به موضوع مواد روان‌گردان پرداخته و با توجه به شیوه اجرایی، برای اجرا در روزهای کرونایی، گزینه مناسبی است. محمد میرعلی، بازیگر این نمایش است که در نخستین جشنواره مونولوگ دانشجویی افراس، موفق به دریافت تندیس بهترین بازیگری مرد شد. دیگر عوامل اجرایی عبارتند از: دستیار کارگردان: بردیا کوهپایه؛ عکس: رضا جاویدی و امیرعباس فراهایی؛ طراحی گرافیک: صادق حسینی؛ ساخت نیز: مهران عشریه و مدیر روابط عمومی: ندا کاوندی. فروش بلیط اینترنتی «عموزنجیرباف» در سایت تیوال آغاز خواهد شد. این نمایش، از بیست‌ودوم تیرماه به مدت چهل دقیقه در تالار محراب به نشانی خیابان ولیعصر، چهارراه امام خمینی روی صحنه خواهد رفت.

موزه «لوور» راه افتاد
موزه «لوور» پاریس پس از مدت‌ها تعطیلی ناشی از شیوع ویروس کرونا روز گذشته بازگشایی شد. درهای این موزه که از سیزدهم مارس برای جلوگیری از گسترش ویروس «کرونا» بسته شده بود، روز دوشنبه به روی بازدیدکنندگان باز شد. به نقل از فرانس ۲۴، برپایزده‌ترین موزه جهان در طول چهار ماه تعطیلی با ۴۰ میلیون یورو خسارت مواجه شده است. با این که بازگشایی این موزه، بازدید از اغلب آثار تاریخی امکان‌پذیر است اما دسترسی به برخی از سالن‌های این موزه که رعایت فاصله اجتماعی با مشکلاتی همراه خواهد همچنان مقدور نیست با وجود علامت‌های یادآوری رعایت فاصله که بر کف سالن تابلو نقاشی «مونالیزا» نصب شده است. دیگر خبر جمعیت برای سلفی گرفتن نخواهد بود. حدود ۷۰ درصد از ۹۶ میلیون بازدیدکننده «لوور» در سال گذشته را گردشگران خارجی تشکیل دادند و با توجه به این که محدودیت‌های سفری در برخی از کشورهای همچنان باقی است، مدیر این موزه کاهش شدید شمار بازدیدکنندگان را پیش‌بینی می‌کند.

ماهنامه‌ای که یک رسانه مهم بود برای سینمایی مهم

«هنر و تجربه» به تاریخ پیوست



که در سال ۹۳ بستیم تا سال ۹۸ ثابت ماند و حتی یک ربان افزایش نیافت ولی از اینکه در انتشار این ماهنامه سهم داشتم رضام و همچنین از اینکه از ابتدا تا چند روز پیش عضو از خانواده محترم و مفید هنرو تجربه بودم. راستی روز قلم مبارک آقای صاعنی مقدم مدیرعامل گرامی.» رضا صاعنی هم که سه سال دبیر تحریریه این ماهنامه شریف بود و پیش از آن هم یکی از نویسندگان، بعد از پایان کار این ماهنامه در صفحه اینستاگرامش این طور حسش را انتقال داد: «بشت تک‌تک این جلدها خاطرات و مخاطرات قلمی نهفته. سرخوشی‌ها و سرخوردگی‌هایی که در فراز و فرود انتشار مجله تجربه شده، دشواری مصاحبه و تنظیم آنها، شوق نقد نوشتن و عرق‌ریزان روحی‌اش، ذوق

تیتیر زدن، اضطراب دیررسیدن مطلب، هماهنگی برای عکاسی، چالش جلد، خوانش مطالب، تهیه گزارش ماه، برگزاری میزگردها، تامین عکس‌ها، ویرایش متن و چیدمان صفحه و... حالا پس از شش سال ماهنامه هنر و تجربه متوقف شد! نزدیک به سه سال از آن را دبیر تحریریه‌اش بودم و پیش از آن هم یکی از نویسندگان؛ سه سالی که آموختم، از خواندن تک‌تک نقد و یادداشت‌های دوستان منتقد، از گفت‌وگوهایشان با سینماگران، از کیوان کتیریان عزیز سردبیر مجله که اگر ایستادگی و مقاومتش نبود، پیش از این و بارها و بارها مجله تعطیل شده بود. در کنارش مشق روزنامه‌نگاری کردم، حالا در این روزهای مشتقت بار مجله تعطیل شده! انگار پایت درخته روی مین! چیزی درونت خالی شده! فرد ریخته! دیروز هم روز قلم بود و هم سالروز کیارستمی و چه نسبت غریبی دارند این دو با توقف ماهنامه هنر و تجربه. کیارستمی که سینمایش مظهر ناب سینمای هنر و تجربه بود، گفته بود: «خوش بود گر هنر و تجربه آید به میان.» حالا نه خودش در میان است و نه مجله‌ای که رویاگر سینمایی از جنس سینمایش بود! حشش از خانواده محترم و مفید هنرو تجربه بودم. راستی می‌بینم و زیر لب شعر قیصر را زمزمه می‌کنم که: «عمری به جز بیهوده بودن بسر نکردیم/ تقوی‌ها گفتند و ما باور نکردیم.»